

پاپ جدید و روابط میان ادیان

<?xml encoding="UTF-8">

رادیو رسمی شیکاگو در حال انجام گفت‌وگویی زنده در یکی از استودیوهایش که مشرف بر دریاچه میشیگان پیرامون برخی از مسائل در میانه و روابط اسلامی - مسیحی با من بود، وقتی یکی از کارمندان از پس شیشه اتاق استودیو، در حالی که برگه‌ای به دست داشت، وارد شد و بر روی آن با خطی درشت فقط يك کلمه را نوشته بود: «رایتسنگر». در آن لحظه دریافتم، کاردینال آلمانی به عنوان جانشین یوحنا پولس دوم انتخاب شده است که جهان او را به عنوان مردی روشن‌فکر و مدعی گفت‌وگو و تفاهم میان پیروان ادیان و عقاید مختلف از دست داد. مجری آمریکایی از گفت‌وگوی خویش پیرامون مسائل خاورمیانه باز ماند و فوراً به ایراد سؤالاتی پیرامون پاپ جدید روی آورد...

به گزارش سرویس ترجمه موعود، دکتر محمد سماک، نویسنده و تحلیلگر معروف لبنانی، در مقاله ای در نشریه «الحوار بین الأديان» نوشت، رادیو رسمی شیکاگو در حال انجام گفت‌وگویی زنده در یکی از استودیوهایش که مشرف بر دریاچه میشیگان پیرامون برخی از مسائل در میانه و روابط اسلامی - مسیحی با من بود، وقتی یکی از کارمندان از پس شیشه اتاق استودیو، در حالی که برگه‌ای به دست داشت، وارد شد و بر روی آن با خطی درشت فقط يك کلمه را نوشته بود: «رایتسنگر». در آن لحظه دریافتم، کاردینال آلمانی به عنوان جانشین یوحنا پولس دوم انتخاب شده است که جهان او را به عنوان مردی روشن‌فکر و مدعی گفت‌وگو و تفاهم میان پیروان ادیان و عقاید مختلف از دست داد. مجری آمریکایی از گفت‌وگوی خویش پیرامون مسائل خاورمیانه باز ماند و فوراً به ایراد سؤالاتی پیرامون پاپ جدید روی آورد:

چگونه از وی در جهان استقبال می‌شود، به ویژه در جهان اسلام؟
آیا او پیشینه‌ی برقراری روابط با مراجع مذهبی خاورمیانه را داشته است؟

دیدگاه و موضع کلیساهای عربی پیرامون امور و مسائل مربوط به مسیحیت چیست؟
طبیعی بود که دستگاه‌های تبلیغاتی و اطلاع‌رسانی آمریکا توجه بسیار زیادی جهت پوشش دادن وقایع و حوادث انتخاب پاپ چه از بُعد تلویزیونی و یا رادیویی و یا مطبوعاتی نمایند و در زندگی پاپ جدید به دنبال هر چیزی باشند که بتوانند از آن به عنوان اهرم فشار جهت بهره‌برداری سیاسی یا مذهبی استفاده نمایند. هم‌چنین طبیعی بود که دست‌اندرکاران این امر بر صفحه‌ای از ایام جنگ جهانی دوم دست یابند، هنگامی که ژوزف رایتسنگر در آن زمان جوان بالغ و برنایی بود. در آن هنگام او به همراه برادرش به سازمان جوانان هیتلری در سال 1941 پیوست، که پیوستن به آن امری لازم و اجباری برای هر جوان آلمانی بود. هم‌چنین پدرش در دوره‌ی نازیسم به عنوان پلیس مشغول به کار بود.

با اینکه رایتسنگر در خاطرات شخصی و خصوصی‌اش که آن را در سال 1987 منتشر کرد، نوشت که او در آن زمان همگام و همراه نازیسم نبوده و پیوستنش به سازمان چندان دوام نیاورده، چون برای تحصیل لاهوت از این سازمان خارج شد، اما مقامات نازی از او دست برنداشتند و او را ملزم به پیوستن به نیروهای نظامی در اواخر جنگ نمودند. به همین دلیل او وارد خدمت در یگان پدافند هوایی شد که موظف به مراقبت از کارخانه‌ی

بی.ام.دبلیو بود و از کارخانه‌ی سازنده و تولیدکننده‌ی ماشین به کارخانه تولید موتورهای هواپیماهای جنگی تبدیل شد. هم‌چنین از وی در حفر کانال‌های نظامی استفاده شده.

هنگامی که آلمان هیتلری شکست خورد، رایتسنگر یکی از نظامیان آلمانی بود که نیروهای آمریکایی از آنها عکس‌هایی «سمبلیک» گرفت تا انتقال دهنده وقایع و حوادث شکست آلمان نازی و پیروزی آمریکایی‌ها به ایالات متحده باشد! اما رایتسنگر در خاطرات خویش تأکید می‌کند او از ارتش آلمان فرار کرد و در زندگی خویش از این اقوام خود در هراس بود. ولی چه بسا نکته قابل توجه‌تر این که نیروهای نظامی آمریکا، پایگاهی نظامی در مزرعه پدرش دایر کردند و هنگامی که سربازان آمریکایی با او آشنا شدند و دریافتند، او یکی از سربازان ارتش آلمان بوده است، او را بازداشت کرده و برای چند هفته زندانی و سپس آزاد کردند. از زندان موقت آمریکایی‌ها رایتسنگر به مونیخ منتقل شد تا تحصیل لاهوت خویش را دنبال نماید و پس از آن توانست، مدرک دکترای خویش را در رشته لاهوت از روم به دست آورد، موضوع تزاو: کلیسا و ملت و خانه خدا در عقیده‌ی سنت وگوستین بود. چه بسا فرهنگ آدمی در لاهوت کاتولیکی ریشه دارد، در پس افراط و تعصب معروفش در قبال اجتهادها و تلاش‌های لاهوتی که کلیساهای دیگر بیانگر آن هستند، باعث شود تا برخی از این کلیساهای را از خصوصیت و ویژگی کلیساییشان تجرید نمایند و آنها را صرفاً حرکت‌ها و جنبش‌های غیرکلیسایی قلمداد کند، چنانکه پیشین نیز کرده بود، به ویژه در وثیقه‌ی معروفش که آن را به پاپ راحل یوحنا پولس دوم در سال 1992 ارائه و تقدیم کرد و در آن زمان به شدت در جهان طنین افکن شد. اما نکته قابل توجه اینکه وی در جشن انتصاب خویش به این سمت در واتیکان از تعدادی از رهبران کلیساهای انجیلی آمریکا از جمله کشیش رابرت شولر، رئیس «کریستال کاتیدرال» لس‌آنجلس دعوت کرد که یکی از کلیساهای سیار معروف انجیلی و آمریکایی در جهان است و به وسیله ماهواره برنامه‌هایی تلویزیونی برای سراسر جهان پخش می‌کند. وی دلیل این دعوت را اینگونه عنوان می‌کند، چون رهبران کلیساهای انجیلی آمریکا به دیدگاه‌ها و مواضع پاپ جدید در قبال امور و مسائلی چون سقط‌جنین کنترل و محدودیت زاد و ولد، از مواج هم‌جنس‌بازان و انتخاب کاهنان زن برای کلیساهای توجه دارند و با آن همراه و همگام هستند و این‌ها از جمله مسائل و اموری بود که پاپ راحل در رود آنها را تأکید بسیار داشت و شک نیست که پاپ جدید در این زمینه متعصب‌تر باشد.

در سال گذشته کاردینال رایتسنگر نامه‌ای برای اسقف‌های کاتولیک سراسر جهان نوشت و در آن از ایشان خواست از حمایت و پشتیبانی از سیاست‌مدارانی که حامی سقط‌جنین و هم‌جنسی‌بازی هستند، دست بکشند و این اعمال را اعمالی شیطانی به شمار آورد. هم‌چنین در نامه‌ی خویش درخواست انتصاب زنان در مجالس کاهنانه را توطئه‌ای علیه کلیسا تلقی کرد و کاتولیک‌ها را از آنچه آن را «رادیکالیسم زنانه» نامیده بود، برحذر داشت، چرا که باعث ایجاد اختلاف میان زنان و مردان شده و به ستون و پایه و اساس خانواده به عنوان واحدی استوار بر تکامل و تعالی زن و مرد ضربه وارد کرد. غیر از آن از جمله مسائل اخلاقی دیگر، دیدگاه او در قبال تحقیقات علمی - پزشکی بود که با سلول‌های بنیادی و کاشت اعضا و غیره ارتباط پیدا کرد.

اما موضوع مهم‌تر و حساس‌تر که مورد توجه کاردینال بود، مسئله تبلیغ و تبشیر مذهبی بود. کلیساهای انجیلی به سرعت در کشورهای آمریکای جنوبی و مرکزی در حال گسترش هستند و این‌ها کشورهایی به شمار می‌آیند که گنجینه بشری کاتولیک در جهان تلقی می‌شوند. آمارها نشان می‌دهد، روزانه هشت هزار کاتولیک به تنهایی در آمریکای جنوبی انجیلی می‌شوند و کاتولیک‌ها با رقابت شدید و فشرده انجیلی‌ها در آسیا و آفریقا مواجه هستند. این در حالی است که اسلام نی زدر کنار مسیحیت در این دو قاره در حال انتشار و پراکندگی است. از این بُعد

علامت سؤالی در قبال مواضع و دیدگاه‌های پاپ جدید، بندیکت شانزدهم در قبال اسلام و روابط با مسلمانان به وجود می‌آید. وی در سخنرانی انتصاب خویش با محبت و مهر از یهود و از مسیحیان کلیساهای دیگر با گشاده‌رویی سخن گفت. اما اشاره‌ای به اسلام یا مسلمانان نکرد، برخلاف پاپ راحل و فقط به عبارت کلی مؤمنان به عقاید دیگر، بدون مشخص کردن این عقاید، اکتفا کرد.

پاپ راحل، یوحنا پولس دوم، جایگاه مهمی در سر دادن شعاری داشت که پس از یازده سپتامبر 2001 و در نتیجه جنایت تجاوز به نیویورک و واشنگتن سرداده شد و اسلام و تروریسم را دو روی يك سکه به شمار آورد. وی با این اقوام خویش خدمت گرانقدری به روابط اسلامی - مسیحی نه فقط در جهان اسلام، بلکه در اروپا نیز نمود. که واتیکان آن‌ها را در شهر اسیزی، شمال روم، دایر کرد. اما آیا پاپ جدید، بندیکت شانزدهم این راست را ادامه می‌دهد؟

رایتسنگر نام پاپی خویش را بندیکت (به زبان لاتین قدیس) انتخاب کرد تا نام پاپ بندیکت پانزدهم را زنده نگه دارد که بین سال‌های 1914 تا 1922 تلاش کرد، به هر قیمت شده مانع وقوع جنگ جهانی اول شود. اما آنچه مورد توجه پاپ جدید است احیای هویت مسیحی اروپاست که برخلاف میل پاپ راحل بود و در مثل قانون اساسی اروپای يك‌پارچه مخالف ذکر هویت مسیحی برای اتحادیه اروپا بود. با انتشار و گسترش لامذهبی در اروپا و کاهش رفتن به کلیساهای پاپ جدید تلاش بسیاری دارد که روح مسیحیت را در جوامع اروپایی بدمد. در حالی که این مانعی است که آن را در مقابل جنبش‌های لیبرالی - کاتولیکی نه تنها در اروپا که در ایالات متحده می‌سازد. کاتولیک‌های آمریکا منبع اصلی حمایت مالی واتیکان را تشکیل می‌دهند و پس از رسوایی تجاوزهای جنسی که برخی از کاهنان آنجا به آن متهم شدند، صداهایی به گوش رسید که خواهان رسمیت بخشیدن به ازدواج کاهنان بود. اما آن صداها گوش شنوایی در واتیکان یوحنا پولس دوم نیافتند و انتظار می‌رود، در واتیکان بندیکت شانزدهم نیز نیابند. این مرد با توجه به فرهنگ لاهوتی و التزام و تعهد مذهبی‌اش به نظر نمی‌رسد از اصول ثابت و اعتقادی خویش عقب‌نشینی کند یا

در آنها تجدید نظر نماید و چه بسا از جمله این اصول ثابت و غیرقابل تجدید نظر اعتقادات و ادیان دیگر باشد. جهان با توجه بسیار پاپ را زیر نظر دارد و از او انتظارات بسیاری دارد، با این که يك تیر هم در ترکش ندارد.

مترجم: قبس زعفرانی

منبع : ماهنامه موعود شماره 73